

خودکشی هاشمی! قسمت چهارم

ترور یا خودکشی؟



مرگ هاشمی رفسنجانی با گذشت نزدیک به دو سال کماکان محل مناقشه در داخل کشور است و بی مزگی چندی پیش اشخاصی که در تجمع طلاب در قم تابلویی با شعار «ای آنکه مذاکره شعارت - استخر فرح در انتظارت» مزید بر علت شد تا بار دیگر یکی از اعضا خانواده هاشمی از این شعار بی مسما بهره برداری کرده و مرگ پدرش را «ترور» القاء کند!

فاطمه هاشمی:

تهدید رییس جمهوری منتخب مردم در حوزهی علمیه ... به قتل شبیه مرحوم پدرم، صراحتاً، مرگ ایشان را ترور و قتل، آنهم خفه کردن در آب اعلام می‌کند!

نخستین بار مهدی خزعلی بود که در فردای مرگ هاشمی رفسنجانی به سنت همیشگی «جنجال برای دیده شدن» بدون کمترین قرینه یا ادله ای مدعی شد هاشمی را کشته اند!

در همان مقطع اینجانب و دو نفر دیگر در داخل کشور (خانم دکتر پرستو مروجی و سردار سعید قاسمی) نظری دیگر درباره مرگ هاشمی رفسنجانی مطرح کردیم و بنده شخصا دلائل و قرائنی را دائر بر «خودکشی هاشمی» ارائه کردم که هنوز آن دواعی بدون پاسخ مانده!

(*)

اما ادعای ترور هاشمی نیز از آن ادعاهائی است که بقول آمریکائی

ها د«تست خنده را با موفقیت پاس می کند»

ترور در دنیای سیاست برخوردار از تعریف است و زمانی برای حذف یک عنصر سیاسی در دایره موسوم به «بازی کثیف» متوسل به ترور می شوند که «سوژه» برخوردار از قدرت و تاثیرگذاری بوده و نیروهای رقیب برای حذف آن «تاثیر گذاری» متوسل به حذف فیزیکی وی از طریق ترور می شوند.

بر این اساس ادعای ترور هاشمی بیشتر به جوک شبیه است چون ایشان علی رغم آنکه زمانی در هرم قدرت ایران «فرد دوم» نظام محسوب می شد اما از ۸۸ به بعد افول قدرت وی آغاز شد تا جایی که در دی ماه ۹۵ در پائین ترین سطح از نفوذ و تاثیر گذاری سیاسی در اتاق قدرت ایران برخوردار بود و لذا کمترین دلنگرانی بابت رفتار ایشان وجود نداشت تا بخواهند وی را ترور سیاسی کنند.

#داریوش سجادی

پایان